

چکیده پژوهش‌ها در قلمرو روانشناسی بالینی و مشاوره

Counselling and Clinical Psychology Research Abstracts

در این بخش چکیده تازه‌ترین پژوهش‌هایی که در قلمروهای مختلف روانشناسی انجام شده‌اند، معرفی می‌شوند. این پژوهش‌ها برگرفته از چکیده‌های مجله‌های تحت پوشش انجمن روانشناسی آمریکا (APA) هستند و می‌توانند الهام‌بخش پژوهشگران جوان ایرانی باشند. در این شماره برخی از پژوهش‌ها در قلمرو روانشناسی بالینی و مشاوره ارائه شده‌اند.

پیشگیری و مداخله زودرس در اختلالات اضطرابی کودکان پیش‌دبستانی دچار بازداری

Rapee, R. M.; Kennedy, S.; Ingram, M.; Edwards, S. & Sweeny, L. (2005). Prevention and early intervention of anxiety disorders in inhibited preschool children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73 (3), 488-497.

در این مقاله، نتایج یک برنامه مداخله زودرس با هدف پیشگیری از گسترش اضطراب در کودکان پیش‌دبستانی گزارش شده است. کودکان برحسب فراوانی رفتارهای گوشه‌گیری / بازداری - که یکی از رفتارهای خطرآفرین شناخته شده در مورد بروز اختلالات اضطرابی در سنین بالاتر است - انتخاب و به تصادف در گروه 6 جلسه‌ای «برنامه آموزش والدین» یا گروه بدون مداخله، جایگزین شدند. برنامه آموزشی به صورت گروهی انجام شد و طول مدت آن به اندازه‌ای کوتاه بود که امکان کاربرد آن در قلمرو سلامت عمومی، وجود داشته باشد. کودکانی که والدین آنها در شرایط آموزشی قرار گرفتند در مقایسه با آنهایی که والدینشان مداخله‌ای را دریافت نکرده بودند، کاهش معنادار اضطراب را 12 ماه بعد نشان دادند. مع هذا در مورد میزان گوشه‌گیری / بازداری تأثیر معناداری به دست نیامد. نتایج، ارزش مداخله زودرس (حتی کوتاه مدت) بر اختلالات اضطرابی را ثابت می‌کنند اگرچه به نظر نمی‌رسد که این تأثیر با واسطه تغییرات مزاجی باشد.

کدام جنبه‌ها از روابط با همگنان در کودکانی که به اختلال فزون‌کنشی / نارسایی توجه مبتلا هستند، آسیب دیده‌اند؟

Hoza, B.; Mrug, S.; Gerdes, A. C.; Hinshaw, S. P.; Bukowski, W. M.; Gold, J. A.; Kraemer, H. C.; Pelham, W. E.; Wigal, T. & Arnold, L. E. (2005). What aspects of peer relationships are impaired in children with Attention-Deficit / Hyperactivity Disorder? *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73 (3), 411-423.

165 کودک (130 پسر و 35 دختر) با اختلال فزون‌کنشی / نارسایی توجه (ADHD) و 1298 نفر (1026 پسر و 272 دختر) از همکلاسیهای همجنس آنها نمونه این پژوهش را تشکیل داد. برای هر کودک مبتلا به ADHD، یک

کودک همجنس از همان کلاس درس به صورت تصادفی انتخاب شد و 165 زوج را به وجود آوردند. هماهنگ با پیش‌بینیها، بر عکس کودکان گروه مقایسه، کودکان مبتلا به ADHD در برتری اجتماعی پایتتر بودند، خسارت اجتماعی بیشتری وارد می‌کردند، کمتر مورد علاقه بودند و بیشتر اوقات در مقوله وضعیت اجتماعی طرد شده قرار می‌گرفتند. آنان همچنین دوستیهای دوفره کمتری داشتند. وقتی نسبت دوست داشتن به دوست داشته شدن این کودکان بررسی شد نتایج نشان داد که کودکان مبتلا به ADHD نسبت به گروه مقایسه دارای تعادل کمتر و عدم تعادل بیشتری بودند. همچنین تحلیل ریخته‌های همسالانی که افراد مبتلا به ADHD را به عنوان دوستان یا غیردوستان بر می‌گزینند آشکار ساخت که کودکان با سطح اجتماعی برتر و کسانی که مورد علاقه دیگران بودند افراد ADHD را در شمار دوستان خود قرار نمی‌دادند.

آیا پرخاشگری می‌تواند لذت بخش باشد؟

Ramirez, J. M.; Bonniot-Cabanac, M. C. & Cabanac, M. (2005). Can aggression provide pleasure? *European Psychologist*, 10 (2), 136-145.

در این پژوهش لذت بخشی تصمیم‌گیریهایی ناشی از رفتار پرخاشگرانه بررسی شد. چهار پرسشنامه (در باره لذت جویی، تصمیم‌گیری، توجیه پرخاشگری، و برانگیختگی) به 50 شرکت‌کننده از هر دو جنس با دامنه سنی 16 تا 80 ساله ارائه شد. به منظور دستیابی به حداکثر لذت و کاهش بی‌لذتی، اکثر شرکت‌کنندگان از رفتارهای ناخوشایند اجتناب کردند. میانگین نمره‌های لذت‌جویی همراه با افزایش سطوح پرخاشگرانه یک نمودار بهنجار به دست داد ($P < 0/000$). به عبارت دیگر، پاسخهای شرکت‌کنندگان به تعارضهای اجتماعی از فعل‌پذیری و پرخاشگری شدید برخوردار نبود. در حالی که شرکت‌کنندگانی که در دو کرانه قرار داشتند ناخوشایندترین نمره‌ها را به دست آوردند. بنابراین براساس نتایج به دست آمده یک نکته جالب برجسته شد: امکان لذت بردن از پرخاشگری هنگامی وجود دارد که سطوح آن در طیف اندک تا متوسط قرار داشته باشد. به عبارت دقیقتر، میزان رابطه لذت با پرخاشگری تا سطح معینی است: خوشایندی پاسخهای پرخاشگرانه تا شدت متوسط به طور معناداری بیش از پرخاشگرانه‌ترین و فعل‌پذیرانه‌ترین پاسخهاست. نتیجه‌گیری: در تعارضهای اجتماعی، گرایش به تجربه لذت به حد بیشینه می‌رسد و به استثنای مواردی که پرخاشگری از لذت بالایی برخوردار است، پرخاشگری به ایجاد لذت در پرخاشگر می‌انجامد. این نکته که پرخاشگری خفیف تا متوسط، لذت‌بخش است، در حالی که در مورد پرخاشگری شدید تا وخیم این‌گونه نیست، نمایی را عرضه می‌کند که می‌تواند مشاهدات تعارض‌آمیز ادبیات پژوهشی را با یکدیگر آشتی دهد.

ناراحتی روانشناختی زنان در میانسالی: نقش تجارب والدینی دوران کودکی

Flouri, E. (2005). Women's psychological distress in midadulthood: The role of childhood parenting experiences. *European Psychologist*, 10 (2), 116-123.

این پژوهش به مطالعه نقش ساختار والدینی خانواده، چگونگی ادراک تصویر پدر، چگونگی ادراک تصویر مادر در خلال کودکی و اثر آن بر ناراحتیهای روانشناختی زنان در دوره میانسالی پرداخته است. 617 زن 28 تا 59 ساله که

فرزندان آنها در دوره متوسطه بودند از سه منطقه در جنوب انگلیس پرسشنامه GHQ-12، مقیاس‌های سنجش گذشته‌نگر، نقش‌های ادراک شده مادرانه و پدرانه و مواد مبتنی بر ساختار خانواده، پیشرفت تحصیلی، طبقه اجتماعی، اندازه خانواده (تعداد کودکان زیر 21 سال خانواده)، وضعیت همسر، وضعیت شغلی و سن را تکمیل کردند. نتایج نشان دادند که: حتی پس از کنترل متغیرهای مزاحم جمعیت‌شناختی رایج، ایفای نقش‌های والدینی با ناراحتی‌های روانشناختی رابطه منفی داشت. ساختار والدینی خانواده با ناراحتی روانشناختی مرتبط نبود و به عنوان تعدیل کننده رابطه بین نقش‌های والدینی و ناراحتی روانشناختی دختران برجسته شد. اثر نقش پدرانه بر ناراحتی روانشناختی دختران تفاوتی با سطوح متفاوت نقش‌های مادرانه را نشان نداد.

پیش‌بینی تغییر همسازی نوجوان براساس تغییر مسایل زناشویی

Cui, M.; Conger, R. D. & Lorenz, F. O. (2005). Predicting change in adolescent adjustment from change in marital problems. *Developmental Psychology*, 41 (5), 812-823.

این پژوهش طولی پسینی‌نگر در باره 451 نوجوان و والدین آنها - پس از کنترل دیگر مشکلات زناشویی و منزلت اجتماعی اقتصادی - و در تداوم پژوهش پیشین به بررسی تأثیر تغییرات مشکلات زناشویی بر تغییرات همسازی نوجوان پرداخته است. منحنی‌های نمودارنگی پنهان در یک‌دوره پنج‌ساله به کار رفتند. نتایج نشان دادند که به‌طور کلی، افزایش یا کاهش ناراحتی‌های زناشویی و تعارضها با افزایش یا کاهش همسازی مشکلات نوجوان در خلال زمان مرتبط بودند. افزون بر این، تحلیلها به این نتیجه رسیدند که افزایش ناراحتی‌های زناشویی همانقدر به همسازی نوجوان صدمه وارد می‌سازند که به افزایش تعارض زوجین منجر می‌شوند.

حد خود - اثربخشی و آثار تجربی دستکاری کودکان مشکل‌دار بر حساسیت حسی مادرانه: تحلیل ردیابی یک علامت

Donovan, W.; Leavitt, L. & Taylor, N. (2005). Maternal self-efficacy and experimentally manipulated infant difficulty effects on maternal sensory sensitivity: A signal detection analysis. *Developmental Psychology*, 41 (5), 784-798.

پیامد تفاوت‌های خود - اثربخشی مادرانه و مشکل کودک بر حساسیت مادرانه نسبت به تغییرات اندک در فراوانی یک نوار ضبط گریه کودک در دو آزمایش بررسی شد. نقطه مشترک آزمایشها در دستکاریهای تجربی مشکل کودک یعنی یک سنجش اثربخشی مادرانه (کنترل خفیف، متوسط و بالای مهار خطا) و استفاده از روش تشخیص علامت به منظور سنجش حساسیت حسی مادرانه بود. در آزمایش اول ($n=72$)، نوزادان با ویژگیهای خلقی آسان و مشکل بر مبنای میزان تغییرپذیری گریه آنها (مانند فراوانی خاتمه گریه) در یک موقعیت ایجاد شده مراقبت از کودک، دستکاری شدند. در آزمایش دوم ($n=51$)، کودکان آسان و مشکل در معرض یک موقعیت قابل حل یا غیرقابل حل در ماندگی آموخته شده قرار گرفتند تا توانایی مادر در آرام کردن گریه کودک را واریسی کنند. در هر دو آزمایش، فقط مادرانی که توانایی مهار خطای حسی در آنها زیاد بود در شرایط متفاوت، حساسیت کمتری نشان دادند.

ثبات دلبستگی طی دوره پیش‌دبستان

Moss, E.; Cyr, Ch.; Bureau, J. F.; Tarabulsky, G. M. & Dubois Comtois, K. (2005). Stability of attachment during the preschool period. *Developmental Psychology*, 41 (5), 773-783.

در این پژوهش الگوهای دلبستگی کودکان پیش‌دبستانی سنین پایین و دو سال بزرگتر و همچنین عوامل ثبات - عدم‌ثبات در نمونه‌ای متشکل از 120 کودک کانادایی فرانسوی زبان با وضعیت اجتماعی اقتصادی متفاوت بررسی شد. دلبستگی طی دو موقعیت آزمایشگاهی با استفاده از فرآیند جدایی - تجدیدی‌یونند، هنگامی که کودکان 3/5 (ج. کسیدی و ر.س. ماروین، 1992) و 5/5 ساله بودند، ارزیابی شد. در مجموع ثبات دلبستگی بر مبنای طبقه‌بندی چهار راهه، تعدیل شد ($r=.68$ ، $k=0/47$ ، $p=0/01$)، تغییر از ایمنی به عدم سازمان‌یافتگی با بیشترین کاهش احساس در کیفیت تعامل با مادر، کمترین میزان رضایتمندی زناشویی و بالاترین احتمال وقوع رویدادهای وخیم دلبستگی مرتبط با خانواده، مانند فقدان و بستری شدن والدین، همراه بود. در خانواده‌های کودکانی که گذار از ایمنی به عدم ایمنی سازمان‌یافته در آنها مشاهده شد، سطوح متفاوتی از مراقبت و عدم رضایتمندی زناشویی وجود داشت که در حدفصل بین خانواده‌های کودکان ایمن باثبات و خانواده‌های کودکان ایمنی که به سوی عدم سازمان‌یافتگی تغییر کردند، قرار داشت.

رفتار مادران و پدران خانواده‌های آمریکایی آفریقایی تبار نسبت به فرزندان 3 تا 4 ماهه در طبقات اجتماعی اقتصادی پایین، متوسط و بالا

Roopnarine, J. L.; Fouts, H. N.; Lamb, M. E. & Lewis Elligan, T. Y. (2005). Mothers' and fathers' behaviors toward their 3 to 4 month-old infants in lower, middle, and upper socioeconomic African American families. *Developmental Psychology*, 41 (5), 723-732.

در این پژوهش میزان در دسترس بودن، مراقبت کردن و رفتارهای اجتماعی مادران و پدران آمریکایی آفریقایی تبار نسبت به فرزندان خردسالشان در منزل و خارج از منزل بررسی شده است. به ترتیب 20، 21 و 21 خانواده از طبقات اجتماعی اقتصادی پایین، متوسط و بالا و فرزندان 3 تا 4 ماهه آنها به مدت 43 ساعت از 8 صبح تا 8 بعد از ظهر در 4 روز متفاوت هفته مورد مشاهده قرار گرفتند. با افزایش منابع اقتصادی، سپردن کودکان به چندین مراقب و عدم حضور پدران کاهش می‌یافت. صرف نظر از وضعیت اجتماعی اقتصادی، مادران بیش از پدران در دسترس کودکان بودند و بیش از پدران به کودکان غذا می‌دادند، در حالی که پدران وقتی مراقبت کودک را برعهده داشتند به صوتی‌سازی بیشتر می‌پرداختند، بیشتر از مادران آواز می‌خواندند و عواطف بیشتری را نشان می‌دادند. مادران و پدران با خردسالان پسر و دختر، تعامل مشابهی داشتند. اگرچه، در خانواده‌های سطوح بالای اجتماعی اقتصادی، پدران دختران بیش از پدران پسران در دسترس بودند. پدران و مادران متعلق به گروه‌های اجتماعی اقتصادی متفاوت، به گونه‌ای متفاوت خردسالان خود را در آغوش می‌گرفتند، به آنان ابراز عاطفه می‌کردند و تسکینشان می‌دادند.

ترجمه سوسن رحیم‌زاده